

علل تکرار جرم در مددجویان کانون اصلاح و تربیت

سمیراسادات میرسمیعی* علیرضامیلانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۲/۱۳

چکیده:

این مقاله به بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم مددجویان دختر و پسر کانون اصلاح و تربیت تهران تمرکز دارد. هدف اصلی، بررسی تاثیر عوامل فردی و اجتماعی بر تکرار جرم اطفال و نوجوانان می‌باشد. در چارچوب نظری این تحقیق علاوه بر بیان ماهیت جرایم تکراری توسط اطفال و نوجوانان، از نظریه‌های برجسب زنی، انومی و معاشرت ترجیحی استفاده گردیده است. قسمت بالینی تحقیق نیز به شیوه پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش نامه محقق ساخته انجام گرفته است. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. براساس نتایج این پژوهش می‌توان برای پیش گیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد نوجوانان آزاد شده به کانون، با اجرای اصولی تفکیک مددجویان، ارائه خدمات مالی و غیر مالی از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش مددجویان آزاد شده از سوی خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیر رسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام موثری انجام داد.

واژگان کلیدی: تکرار جرم - مددجو - کانون اصلاح و تربیت

مقدمه

اطفال و نوجوانان به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین منابع انسانی به شمار می‌روند و امروزه نسل جوان که قسمت اعظم جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند، بیش از همه سطوح سنی، مورد توجه و عنایت کارشناسان اجتماعی و جرم شناسان بوده و بیشترین مطالعاتی که صورت می‌گیرد، متمرکز بر اصلاح رفتار این گروه خاص و مصروف بازیافت عوامل موثر در انحراف این گروه سنی است. به هر حال جوان بودن جمعیت یک جامعه، طیف وسیعی از مشکلات و مسئولیت‌های خاص را پیش روی آن جامعه قرار می‌دهد. از جمله مهم‌ترین این مشکلات مساله‌ی بزه کاری مکرر افراد جوانی است که به دلایل گوناگون در حالت تعارض با قانون قرار می‌گیرند. این نابهنجاری و بزه کاری در اطفال و نوجوانان، معلول عوامل فردی و اجتماعی بسیاری است. عواملی هم چون شخصیت والدین، سلامت روانی و جسمانی آن‌ها، شیوه‌های تربیتی اعمال شده در داخل خانه، شغل و تحصیلات والدین، وضعیت فرهنگی و اقتصادی آن‌ها، محل سکونت و ده‌ها متغیر دیگر در سلامت روانی و جسمانی نوجوانان و آینده‌ی شغلی و تحصیلی آن‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد.

وقتی نوجوان برای اولین بار مرتکب جرم می‌شود، غالباً علاوه بر شرم و پشیمانی، ترسی را نسبت به اعمال

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلام شهر

مجازات و زندانی شدن احساس می‌کند. بدین ترتیب نخستین تجربه‌ی زندان برای نوجوان بسیار دشوار است. به طوری که معمولاً توانایی برقرار نمودن ارتباط با سایر نوجوانان زندانی را نداشته و گوشه‌گیر می‌شود. سرانجام فرد زندانی بعد از گذشت مدت زمانی، خصوصاً اگر ارتباطش در این مدت با والدین و خانواده اش کم باشد، خود را طرد شده از خانواده و جامعه احساس می‌کند و با هماهنگ نمودن رفتار خود با سایر مددجویان، سعی در برقراری ارتباط با آنها نموده و به صورت عضوی از آنها در می‌آید.

نهایتاً نوجوان پس از آزادی از زندان، به حمایت مالی، روحی و روانی ویژه‌ای نیاز دارد و این در حالی است که نه تنها علل اولیه‌ای که منجر به بزه کاری او شده‌اند از بین نرفته‌اند، بلکه علل ثانویه‌ای نیز به آنها اضافه شده‌اند که شناخت آنها برای حل مساله بزه کاری مکرر نوجوانان ضروری است. بنابراین برای شناخت علت‌های موثر در تکرار جرایم اطفال و نوجوانان و به تبع آن دست‌یابی به راه‌های پیش‌گیری از تکرار جرم آنها این سوالات مطرح می‌شود که جرایم تکرار شده اطفال و نوجوانان دارای چه طبیعت و انواعی است؟ چه ارتباطی میان عوامل فردی و درونی با تکرار جرم اطفال و نوجوانان وجود دارد؟ چه ارتباطی میان عوامل اجتماعی و بیرونی با تکرار جرم اطفال و نوجوانان وجود دارد؟

به این ترتیب مهم‌ترین اهداف این تحقیق عبارت‌اند از:

- شناخت انواع جرایمی که بیشترین تکرار را از ناحیه اطفال و نوجوانان دارا می‌باشند.
- شناخت عوامل موثر بر تکرار جرم و شرایطی که زمینه بازگشت مجدد مددجویان را به کانون فراهم می‌کند.

۱- چهارچوب نظری

در اجرای این تحقیق، نظریه‌های مرتبط با تکرار جرم و ماهیت جرایم تکرار شده توسط اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۱- نظریه‌های برچسب زنی، آنومی و معاشرت ترجیحی

نظریه‌ی برچسب زنی ادعا دارد که کلید فهم رفتار قانون شکنانه در نحوه‌ی واکنش نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه و دستگاه عدالت کیفری در برابر رفتارهای نابهنجار نهفته است. این گروه‌های اجتماعی انحراف را با ساختن قواعدی که تخطی از آنها زیرساز انحراف است و با بکار بستن این قواعد در مورد افراد خاص و برچسب بیگانه زدن به آنها پدید می‌آورند.^۱ همین که برچسب مجرم بودن از سوی افراد جامعه و خانواده نوجوان بکار برده می‌شود، برچسب‌های دیگر را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که پس از آن، ممکن است چنین شخصی به خاطر افکار جامعه درباره مجرمان، به سوی نقش‌های مجرمانه کشیده شود.^۲

نظریه نابهنجاری روی شیوه‌ای که جامعه ساختار بندی شده و این که چگونه این ساختار در خدمت ایجاد انحراف در درون جامعه در می‌آید، متمرکز شده است. نابهنجاری یا آنومی‌زمانی رخ می‌دهد که از هم گسیختگی

۱. توماس ال، وینفری، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه رضا افتخاری، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸ص ۳۰۰.

۲. جرج، ولد، توماس، برنارد، جفری، اسنیپس، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۰ص ۳۰۲.

شدیدی بین هنجارها و اهداف فرهنگی و توانایی‌های اجتماعی شکل یافته برای اعضای گروه‌ها جهت دست یابی آن‌ها وجود داشته باشد.^۳ بنابراین نوجوانان ناامید، با شکست در به کارگیری ساختارهای فرصتی قانونی، به راه‌های غیر قانونی برای رسیدن به اهداف شان روی آورده و مجدداً به سمت و سوی بزه کاری سوق پیدا می‌کنند.

نظریه معاشرت ترجیحی، رفتار بزه کارانه را در قالب تماس یا معاشرت با گروه یا محیط‌های اجتماعی خاص بررسی می‌کند. اهمیت نظریه‌ی معاشرت ترجیحی در رابطه‌ی با اطفال و نوجوانان از آن جهت است که آن‌ها دوره سنی حساسی را طی می‌کنند و تاثیر پذیریشان از گروه‌هایی که با آن‌ها دارای معاشرت هستند مخصوصاً گروه‌های هم سالان بسیار بالاست؛ بنابراین دوری آن‌ها از گروه‌های پر خطر موجبات جلوگیری از تکرار جرم شان را فراهم می‌آورد. یکی از این گروه‌ها، محیط کانون و معاشرت با سایر مددجویان می‌باشد که اغلب یادگیری شگردهای مجرمانه در بین گروه‌های افراد زندانی اتفاق می‌افتد.

۲-۱- ماهیت جرایم تکرار شده از ناحیه اطفال و نوجوانان

از پرتکرارترین جرایم نوجوانان می‌توان به سرقت، دعوا و درگیری، جرایم مربوط به مواد مخدر و رابطه‌ی نامشروع اشاره نمود که با نگاهی به جرایم نوجوانان مددجوی کانون اصلاح و تربیت متوجه می‌شویم که اکثریت پسران مددجو برای جرایم سرقت، دعوا و مواد مخدر، و اکثریت دختران مددجو به علت فرار و رابطه‌ی نامشروع، مجدداً به محیط زندان بازگشته‌اند.

مطابق یافته‌های این پژوهش، سرقت با ۳۶ درصد بیشترین جرم ارتكابی مددجویان را تشکیل می‌دهد که در اغلب موارد به وسیله‌ی تشویق دوستان صورت می‌گیرد. در بین سارقین جوان، توانایی دزدی نوعی مطرح شدن و ابراز وجود است. البته وقتی مرتکب شدند، بعدها جاذبه‌هایی مانند راحت طلبی، سهولت و فراوانی درآمد، احساس قرار گرفتن در مسیری بدون بازگشت، نومی‌دی نسبت به آینده، عدم برخورد و مقابله مناسب با وی و ترسی که همیشه با آن‌ها همراه است باعث تداوم راه آن‌ها می‌شود.^۴

پس از سرقت، دعوا و درگیری با ۱۹/۲ درصد از بیشترین جرایم ارتكابی مددجویان می‌باشد. ایراد ضرب و جرح به دلایل مختلفی هم چون رقابت‌های تحصیلی و احساسی، در بین اطفال و نوجوانان ۱۶ تا ۲۰ ساله فراوان دیده می‌شود. در این درگیری‌ها به دلیل آن که کودکان و نوجوانان در حال خشم و غضب برای انتقام کشیدن حدی قابل نیستند و عواقب وخیم اعمال خود را درک نمی‌کنند و هم چنین به واسطه‌ی قدرت جسمی، نزاع عادی بین آن‌ها اغلب به نقص عضو و قتل منجر می‌شود.^۵

از دیگر جرایمی که بسیار توسط نوجوانان تکرار می‌شود جرایم مربوط به مواد مخدر است. ۱۳/۸ درصد از مددجویان تحت مطالعه مرتکب جرایم مربوط به مواد مخدر شده‌اند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که بیش از ۹۰٪ مصرف کنندگان، مواد مخدر را در نوجوانی آغاز می‌کنند و شروع زودرس، خطر مصرف بیشتر، مستمرتر و استفاده از مواد مخدر خطرناک‌تر را افزایش می‌دهد و نوجوان را در معرض خطرات عدیده دیگر از جمله ارتكاب جرم قرار می‌دهد.^۶

^۳. حسین، غلامی، بررسی حقوقی- جرم شناختی تکرار جرم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵.

^۴. علی اصغر، قربان حسینی، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، چاپ دوم، مشهد، نشر جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

^۵. هوشنگ، شامیبیاتی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴.

^۶. محمود، مهدوی، اطفال و نوجوانان در معرض خطر، رساله دکتری جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳.

از دیگر جرایم شاخص در بین اطفال و نوجوانان، رابطه‌ی نامشروع و در مواردی تجاوز به عنف می‌باشد که با ۸/۳ درصد در میان مددجویان مورد مطالعه پس از جرایم مربوط به مواد مخدر قرار دارد. این نوجوانان که در سنین پایینی هستند امکان ازدواج برایشان فراهم نمی‌باشد، بنابراین برای فرو نشاندن غرایز خود، دست به آزار و اذیت و تجاوز به عنف می‌زنند و یا این که به هم جنس بازی با دوستان خود می‌پردازند. مددجویان دختر نیز که غالباً به جرم رابطه نامشروع دستگیر شدند ابراز داشتند که رفتار نامناسب والدین موجب فرار آن‌ها از منزل شده و به علت مشکلات مالی و عاطفی به ارتباطات نامشروع روی آورده‌اند.

برخی از موارد نیز وجود دارند که گرچه بزه محسوب نمی‌شوند اما به مثابه‌ی زنگ خطری نشان دهنده حالات خطرناک در اطفال و نوجوانان هستند. از جمله حالات خطرناک که غالباً منجر به بزه کاری و تکرار آن می‌شوند می‌توان به تشکیل گروه‌های بزه کاری، فرار از خانه و ترک تحصیل اشاره نمود.

آن چه مسلم است تشکیل گروه در میان اطفال و نوجوانان الزاماً هدفمندی ارتکاب جرایم را در مرحله اول جستجو نمی‌کند ولی وقوع حوادثی از جمله برخورد با پلیس، مصرف مواد مخدر، سرقت‌های کوچک، ممکن است موجب یک استحاله تدریجی در گروه و سازمان یافتگی آن شود.^۷

فرار از منزل و قطع رابطه با والدین نیز، کودکان را از فضای خانوادگی مطلوب محروم کرده و نیازهای زیستی مثل خوراک و مسکن، وی را تحت فشار قرار می‌دهد و ناگزیر برای تامین آن‌ها سمت راه‌های امرار معاش غیر قانونی کشیده می‌شود.^۸ هم چنین کودکی که ترک تحصیل می‌کند ساعتی را که صرف حضور در مدرسه می‌نمود تبدیل به ساعات فراغت او می‌شود که در مثبت‌ترین صورت کودک را به طور زودرس درگیر کار می‌کند و در وضعیت نامطلوب این اوقات تبدیل به اوقات بطالت کودک گردیده، وی را در معرض انحرافات قرار می‌دهد.^۹

۲- چهارچوب عملی

۲-۱- فرضیه‌ها

با توجه به مباحث فوق در تحقیق حاضر فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

۱- ماهیت جرایم تکرار شده اطفال و نوجوانان بیشتر مبتنی بر خشونت است.

۲- میان عوامل فردی و درونی با تکرار جرم از ناحیه اطفال و نوجوانان رابطه گسترده‌ای وجود دارد.

۳- میان عوامل اجتماعی و بیرونی با تکرار جرم از ناحیه اطفال و نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی پیمایشی است و از نظر تاثیر متغیرها بر یکدیگر یک پژوهش علمی محسوب می‌شود. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، در مرحله میدانی به منظور جمع آوری داده‌های مورد نیاز از پرسش نامه استفاده شد. پرسش نامه‌ی مورد نظر محقق ساخته بوده که حاوی ۴۰ سوال در رابطه با ۵ فرضیه‌ی تحقیق می‌باشد. جامعه‌ی مورد مطالعه ۱۰۹ نفر از مددجویان دختر و پسر کانون اصلاح و تربیت استان تهران در سال ۱۳۹۱ می‌باشند که ۵۵ نفر از آنان را مددجویانی تشکیل می‌دهند

^۷ علی، نجفی توانا، نابهنجاری و بزهداری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر آموزش و سنجش، ۱۳۸۵ ص ۶۶

^۸ محمود، مهدوی، پیشین، ص ۱۸۱.

^۹ همان، ص ۲۱۳

که مرتکب تکرار جرم شده‌اند و ۵۴ نفر مابقی از مددجویانی می‌باشند که برای بار اول جرم انجام داده‌اند.

۳-۲- عوامل موثر بر بروز تکرار جرم

عوامل جرم‌زا پدیده‌ای ناشی از وضع جسمی یا روانی و یا محیطی‌اند که در پیدایش جرم‌ها نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. این عوامل عناصری عینی هستند که در ایجاد پدیده مجرمانه دخالت می‌کنند و نقش مهمی در پیدایش جرم دارند، اما همیشه پدیدآورنده جرم نیستند. زیرا، این عوامل پرورش دهنده جرم بوده و به طور مطلق روی افراد به طور همانند اثر نمی‌گذارند؛ بدین شکل که، ممکن است چنین عواملی موجب شود که برخی از افراد رفتاری بزه کارانه از خود بروز دهند، در حالی که نسبت به گروهی دیگر بی اثر باشند.^{۱۰}

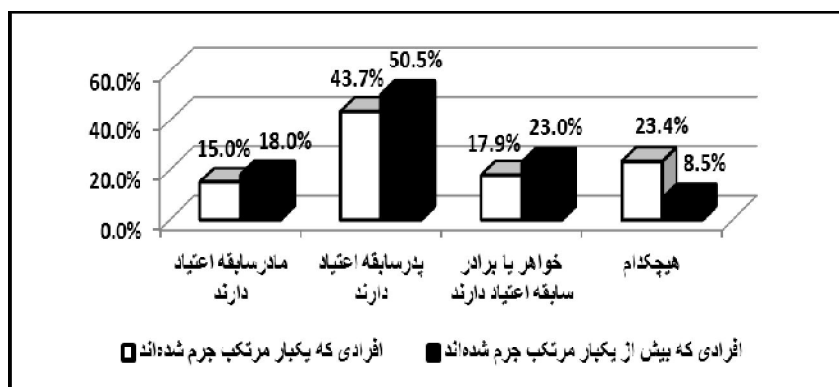
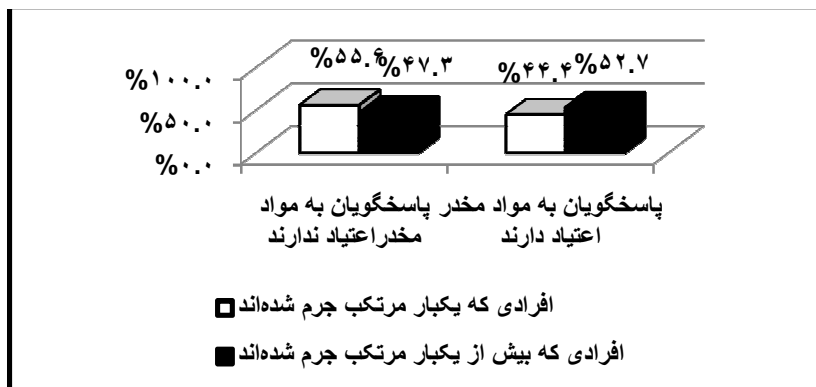
در این پژوهش علت‌های بروز تکرار جرم، در دو گروه عوامل جرم‌زا مورد بررسی قرار گرفته است. گروه اول از عوامل جرم‌زا تحت عناوینی چون عوامل فردی، عوامل زیستی و عوامل روانی موثر بر تکرار جرم و گروه دوم از این عوامل، تحت عناوین عامل خانوادگی، نقش مراجع بازپروری، عوامل فرهنگی و اقتصادی آورده شده است.

۱-۳-۲- علل درونی و فردی تکرار جرم

از شاخصه‌های عوامل فردی می‌توان به مواردی همچون سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی و ابتلای مددجویان به اعتیاد اشاره نمود. مطابق یافته‌ها، مددجویان کانون اصلاح و تربیت مابین ۱۴ تا ۱۸ سال سن داشته و ۹۰ نفر از آن‌ها را پسران و ۱۹ نفر را دختران تشکیل می‌دادند. از نظر وضعیت تحصیلی نیز متأسفانه اکثر مددجویان به دلایل مختلفی همچون اخراج از مدرسه و مشکلات مالی از محیط تحصیلی جدا شده‌اند و این امر مشکلات بسیاری را در جامعه پذیری مجدد آن‌ها به بار آورده است. این نوجوانان که به دلیل بی‌سوادی یا کم‌سوادی احساس حقارت و خود کم‌بینی پیدا کرده‌اند، قادر به یافتن شغل مناسب برای خود نبوده و نسبت به آینده خود، ناامید و سردرگم هستند. در نتیجه نداشتن مشغله تحصیل و بیکاری، مجدداً آن‌ها را به سمت و سوی اعمال نابهنجار و بزه کاری سوق می‌دهد.

هم‌چنین در رابطه با اعتیاد مددجویان، یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که نیمی از مددجویان تحت مطالعه دارای اعتیاد به انواع مواد مخدر، سیگار، قلیان و مشروبات الکلی می‌باشند. این افراد را غالباً کسانی تشکیل می‌دهند که دارای والدین یا خواهر و برادر معتاد هستند. به طوری که اعضای خانواده افراد تکرار کننده جرم با ۹۱ درصد، در مقایسه با اعضای خانواده افراد تک جرمی با ۷۶/۶ درصد، بیشتر دارای اعتیاد هستند. هم‌چنین نیمی از پدران افرادی که مرتکب تکرار جرم شده‌اند با مشکل اعتیاد دست به گریبان بوده‌اند. نمودارهای ذیل به ترتیب وضعیت اعتیاد مددجویان و اعضای خانواده آن‌ها را نشان می‌دهند.

^{۱۰}. امیرحسین، نیازپور، بز هکاری به عادت؛ از علت شناسی تا پیشگیری، چاپ اول، تهران، نشر فکرسازان، ۱۳۸۷ ص ۹۰.



در رابطه با علل درونی هم، وراثت، بیماری‌های جسمی و روانی و مخصوصاً افسردگی و احساس عصبانیت و پرخاش‌گری و عدم خودکنترلی نقش مهمی در تکرار بزه ایفا می‌کنند. "براساس پژوهش‌های انجام شده، آن دسته از کودکان و نوجوانانی که مشکل عاطفی دارند، بیش از بقیه احتمال دارد که دچار پیش‌رسی بزه‌کاری و در نتیجه تبدیل شدن به بزه‌کار به عادت شوند. برای نمونه، رفتار پرخاش‌گرانه، ضعف در خودکنترلی، سطوح پایین درک مسایل، داشتن مشکل روانی و نیاز به هیجان و مانند آن از جمله عوامل روانی تاثیرگذار بر بزه‌کاری به عادت‌اند."^{۱۱} گرچه دست‌یابی به اطلاعات دقیق در رابطه با تاثیر عوامل جسمی و زیستی کار دشواری است اما یافته‌های تحقیق مطابق اظهارات مددجویان نشان می‌دهد؛ ۱۶/۷ درصد در گروه اول و ۱۲/۷ درصد در گروه دوم، دارای بیمار جسمی و ۳۵/۲ درصد در گروه اول و ۴۷/۳ درصد در گروه دوم، دارای بیماری روحی بودند.

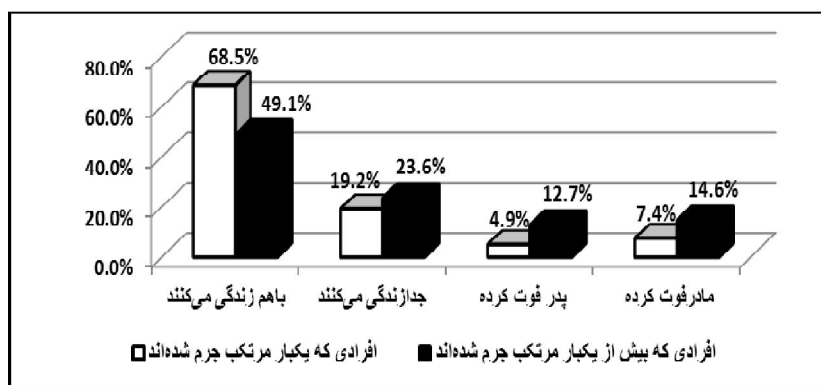
۲-۳-۲- علل بیرونی و اجتماعی تکرار جرم:

علاوه بر علل فردی و درونی موثر بر بزه و تکرار بزه‌کاری، دسته دیگری از عوامل با عنوان علل بیرونی و اجتماعی وجود دارند که ریشه در جامعه دارند و نقش بسیار قابل توجهی در بروز تکرار جرم اطفال و نوجوانان ایفا می‌کنند. در این رابطه به تاثیر علل خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی و هم‌چنین نقش مراجع بازپروری پرداخته شده است.

الف- عامل خانوادگی: نوجوانی که یک بار مرتکب جرم شده است پس از رهایی نیاز به محبت، آرامش و نظارت بیشتری دارد. این در حالی است که اغلب مددجویان پس از ترخیص از کانون، در ارتباط با خانواده خود به

^{۱۱}. امیرحسین، نیازپور، پیشین، ص ۱۰۰.

دلیل وجود مسایلی هم چون فروپاشی و نابسامانی خانواده، اعتیاد و مجرمیت یکی از آن‌ها، اعمال خشونت و آزار، طرد و عدم پذیرش، دچار مشکل می‌شوند. مطابق یافته‌ها نیز، مددجویان سابقه دار نسبت به مددجویان بدون سابقه جرم قبلی در وضعیت خانوادگی نامناسب‌تری به سر می‌برند. اکثر این مددجویان در خانواده‌های پر جمعیت‌تری زندگی می‌کردند و پدر و مادر آن‌ها از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردار بودند. همان‌طور که نمودار ذیل نشان می‌دهد، پدر و مادر نیمی از نوجوانان سابقه دار یا به صورت جدا از هم زندگی می‌کنند و یا یکی از آن‌ها فوت نموده است.



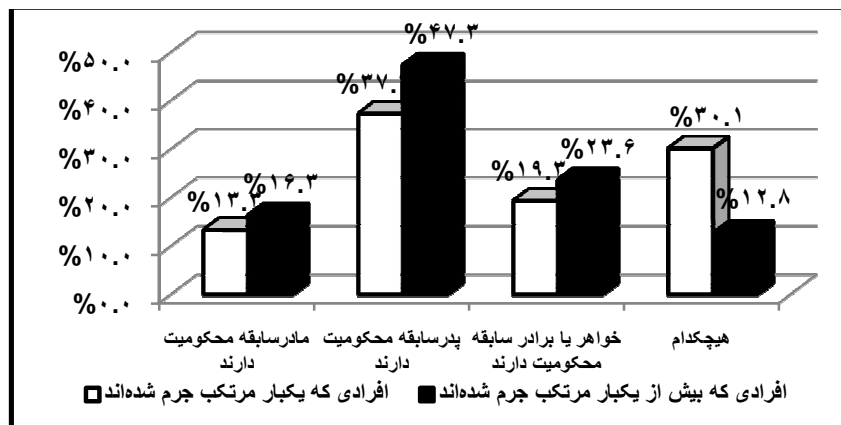
از دیگر علل مهم نابسامانی رفتار کودکان، خانواده از هم گسیخته می‌باشد. متأسفانه با افزایش نرخ طلاق در خانواده‌ها، تعداد فراوانی از اطفال، کانون گرم خانوادگی را از دست می‌دهند؛ و چون فرزندان اکثراً در نزد پدران باقی مانده و پدران نیز ازدواج مجدد می‌نمایند، سرنوشت کودکان و نوجوانان دست‌آموزه نامادران شده و عمدتاً از احساس محبت مادری برای همیشه محروم خواهند شد.^{۱۲} نتایج حاصل از تحقیقات نیز نشان می‌دهد که والدین افراد تکرار کننده جرم، در مقایسه با والدین افراد تک جرمی، دارای سابقه ازدواج مجدد بیشتری هستند.

با عنایت به این که اغلب نوجوانان پس از آزادی به دلیل مواجه شدن با مشکلات عاطفی و مالی، نیاز به حمایت خاص خانواده و اطرافیان خود دارند، رفتارهای نامناسب والدین، از قبیل خشونت، آزار، تحقیر، عدم پذیرش یا بی تفاوتی نسبت به کودک یا نوجوان آزاد شده، هم چنین آزادی مطلق یا کنترل بیش از حد و تبعیض قایل شدن میان فرزندان، خطر فرار از منزل و سقوط نوجوان در ورطه بزه کاری‌های مکرر را در پی دارد. به طوری که مطابق آمار حاصله، ۶۰ درصد از افراد تکرار کننده جرم، سابقه فرار از منزل را داشته‌اند که این رقم، دو برابر افراد تک جرمی است. در نتیجه کودکان و نوجوانان بیش از هر نیاز دیگر، نیاز به آسایش و امنیت روانی دارند و وقتی که خانه ای سراسر درگیری و پر از تشنج باشد ترجیح می‌دهند تا از این کانون تشنج جدا شوند؛ در این راستا اظهارات مددجویان در رابطه با رفتار والدینشان با آن‌ها نشان می‌دهد که افراد تکرار کننده جرم، بیش از افراد تک جرمی، با رفتارهای خشونت آمیز، سخت گیرانه یا بی تفاوتی والدین خود رو به رو بوده‌اند. هم چنین بیش از نیمی از آنان بیان داشتند که پس از آزادی از سوی خانواده خود پذیرفته نشدند و یا در صورت پذیرفته شدن، مکرر از طرف آنان تحقیر و سرزنش می‌شدند.

هم چنین خانواده‌هایی که دارای عضو معتاد و یا مجرم می‌باشند، تاثیر زیادی بر گرایش فرزندان به سوی استعمال مواد و انحرافات و بزه کاری‌های مکرر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضای خانواده افراد تکرار کننده‌ی

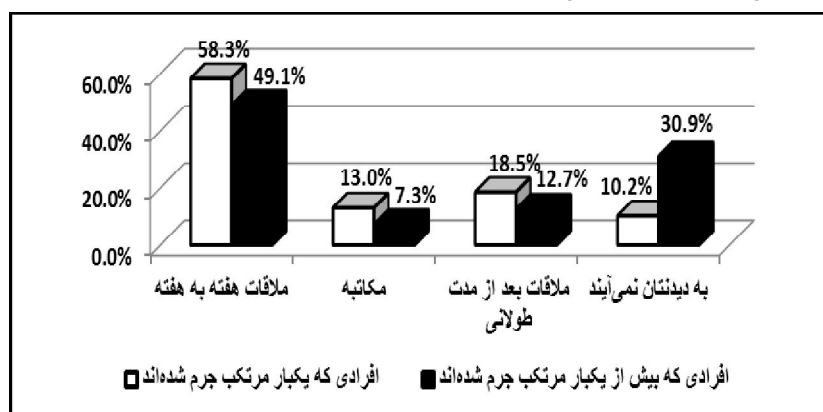
^{۱۲} علی، نجفی توانا، جرم‌شناسی، چاپ پانزدهم، تهران، نشر آموزش و سنجش، ۱۳۹۱ ص ۲۳۱.

جرم با ۹۱ درصد، در مقایسه با اعضای خانواده افراد تک جرمی با ۷۶/۶ درصد، بیشتر دارای اعتیاد هستند. ارتکاب اعمال مجرمانه و محکومیت اعضای خانواده نیز، الگوی تاثیرگذاری از بزه کاری را در اختیار کودک قرار می‌دهد. همان گونه که نمودار ذیل نشان می‌دهد، اعضای خانواده افراد تکرار کننده جرم با ۸۷/۲ درصد در مقایسه با اعضای خانواده افراد تک جرمی با ۶۹/۹ درصد، دارای سابقه‌ی دستگیری و محکومیت بیشتری هستند.



ب- نقش مراجع بازپروری: در رابطه با نقش مراجع بازپروری، کانون اصلاح و تربیت و مراکز مراقبت بعد از خروج قابل بررسی می‌باشند. در این زمینه با وجودی که کانون اصلاح و تربیت با هدف جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح اطفال و نوجوانان برای بازگشت مجدد به زندگی سالم تشکیل شده است، به دلایلی هم چون مصاحبت نوجوان با بزه کاران حرفه‌ای، فقدان برنامه‌های سازنده، عدم تفکیک و طبقه بندی مناسب، شرایطی را فراهم کرده است که مجازات حبس جز آثار زیان بار جهت افزایش بزه کاری حاصلی را در بر ندارد. در این صورت می‌توان، زندان را عامل جرم زایی ثانویه و تکرار جرم مددجویان تلقی نمود.

نکته قابل توجه دیگر این است که ورود به کانون و دوری از خانواده، جامعه پذیری مجدد نوجوانان را بسیار دشوار می‌نماید. بنابراین بایستی ارتباط مددجویان با خانواده و خویشان از طریق مکاتبه و ملاقات حفظ شود. اما متأسفانه همان طور که نمودار ذیل نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از والدین، خصوصاً در رابطه با مددجویان تکرار جرمی، تنها ارتباط اندکی با مددجویان داشتند.

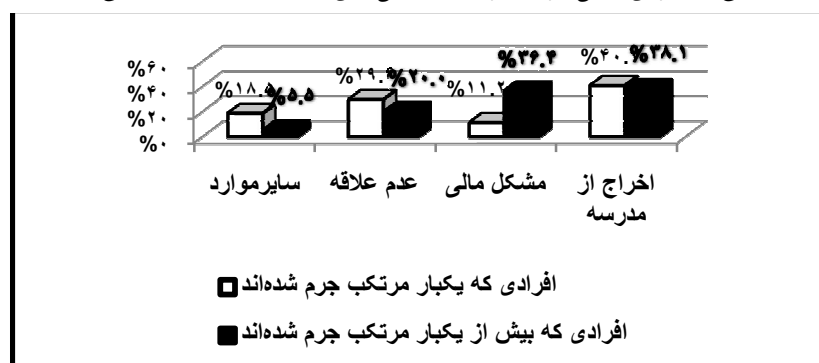


هم چنین اغلب مددجویان پس از ترخیص از کانون، از لحاظ ارتباط با خانواده خود و شرایط مالی و شغلی دچار مشکل می‌شوند و در صورت عدم پیش بینی نهادهای ویژه ای برای نظارت مددجو پس از خروج و فقدان راه

حل مناسبی جهت سرنوشت زندانی و بازگشت وی به زندگی شرافت مندانه، قدر مسلم، فرد آزاد شده برای تامین نیازهای مادی و معنوی خود، جز انحطاط و ارتکاب جرم، راه دیگری ندارد. بنابراین مراکز مراقبت بعد از خروج می‌توانند از طریق ارایه‌ی خدمات مالی و مشاوره نقش قابل توجهی در یاری رساندن به مددجویان و مسدود کردن راه ارتکاب جرم آن‌ها ایفا نمایند. این مرکز از سال ۱۳۸۷ با هدف پیش‌گیری از تکرار جرم، از طریق ارایه‌ی خدمات مالی و مشاوره، رسماً شروع به کار کرده است. با این وجود شایان ذکر است که اکثریت مددجویان طی مصاحبه با نگارنده بیان داشتند شناختی نسبت به مرکز مراقبت بعد از خروج ندارند و آن‌هایی که آگاهی‌اندکی نسبت به مرکز داشتند، تمایل چندانی به ورود به بخش مراقبت ندارند، چرا که برای آن‌ها تداعی کننده زندان می‌باشد و از لحاظ مالی نیز کمک چندانی به آن‌ها صورت نمی‌پذیرد. به این دلیل که مرکز مراقبت بعد از خروج، شرایطی را هم چون داشتن کارت پایان خدمت برای استفاده از خدمات مالی و اخذ وام قایل شده است. بنابراین نوجوانان مددجو که زیر ۱۸ سال سن داشته و کارت پایان خدمت ندارند، نمی‌توانند از خدمات مالی و وام بهره‌مند شوند.

ج- عامل فرهنگی: در این پژوهش، عامل فرهنگی با شاخصه‌های مدرسه، هم سالان و رسانه‌های جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. عدم آمادگی برای کار و زندگی مستقل و نرفتن به مدرسه به هر دلیل که باشد، مهم‌ترین عاملی خواهد بود که بزه‌کاران صغیر را در معرض خطر ارتکاب مجدد بزه قرار می‌دهد.^{۱۳}

بدین ترتیب محیط آموزشی می‌تواند نقش بسیار مهمی در جامعه‌پذیری نوجوانان ایفا نماید و به ویژه رفتار آموزگاران که بیشترین تاثیر را بر روی نوجوانان می‌گذارند؛ اما متأسفانه ۴۸/۲ درصد از مددجویان سابقه دار، رفتار معلمان خود را نامناسب ارزیابی کرده‌اند. هم چنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از این نوجوانان به دلایل گوناگونی چون اخراج از مدرسه، عدم توانایی مالی و عدم علاقه از محیط تحصیلی به دور مانده‌اند. نمودار ذیل نشان دهنده دلایل ترک تحصیل مددجویان می‌باشد؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود اخراج از مدرسه و مشکلات مالی بیشترین دلیل برای ترک تحصیل این نوجوانان به شمار می‌رود.



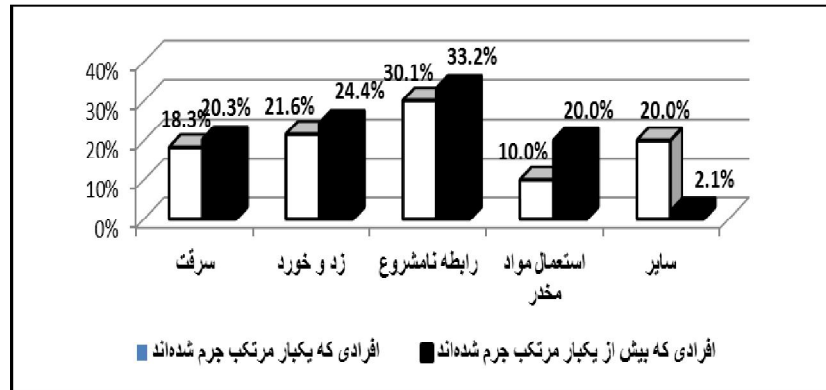
در رابطه با تاثیر همسالان بر یکدیگر، به نظر می‌رسد به محض اینکه یک نوجوان شروع به معاشرت با دیگر بزه کاران می‌کند، در طی سال‌های متوالی، به معاشرت خود را با بزه کاران دیگر ادامه می‌دهد.^{۱۴} مطابق یافته‌ها نیز، ۳۱/۵ درصد از گروه اول و ۳۰/۹ درصد از گروه دوم، تشویق دوستان شان به ارتکاب جرم را زیاد می‌دانستند.

رسانه‌ها نیز از جمله عواملی هستند که با به تصویر کشیدن صحنه‌هایی از سرقت، روابط جنسی، فرار از خانه، درگیری و خشونت، ذهن نوجوان را به ارتکاب مجدد جرایمی چون سرقت، تجاوز به عنف و رابطه‌ی نامشروع،

^{۱۳} حسین، غلامی، پیشین، ص ۲۸۲

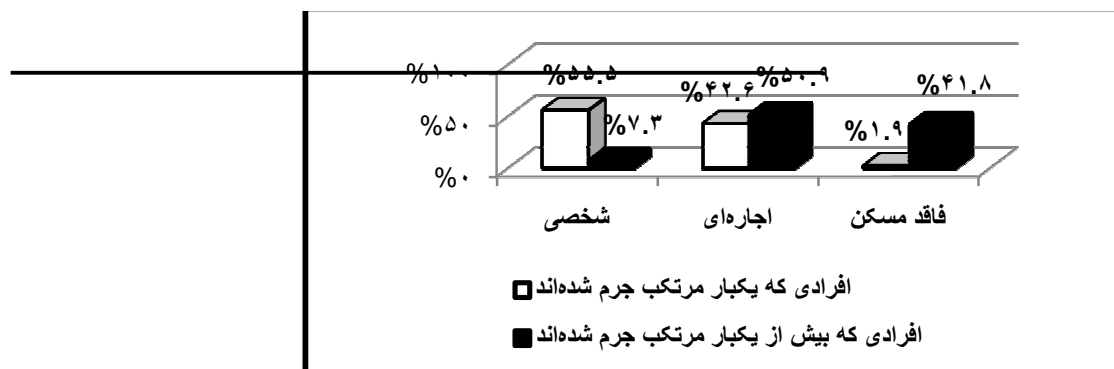
^{۱۴} شهلا، معظمی، بزه کاری کودکان و نوجوانان، چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۰ ص ۲۶۱.

فرار از خانه و درگیری منعطف می‌سازد. نتایج حاصل شده از این تحقیق بیان گر آن است که، افراد دارای سابقه بزه کاری بیشتر به فیلم‌های عاشقانه، اکشن و جنایی علاقه مندند. هم چنین همان گونه که نمودار ذیل نشان می‌دهد، این افراد با تماشای این گونه فیلم‌ها، بیشتر از افراد جرم اولی به جرایمی هم چون زد و خورد، سرقت و رابطه‌ی نامشروع و استعمال مواد مخدر تحریک می‌شدند.



د- عامل اقتصادی: بدون تردید، وضع مسکن، صرف اوقات بیکاری، تغذیه، بهداشت، لباس و از همه مهم‌تر آموزش و پرورش، تابع شرایط اقتصادی هستند. در واقع جوانان و اطفالی که امکانات مالی آن‌ها ناچیز است بیش از دیگران در معرض خطر بزه کاری قرار دارند.

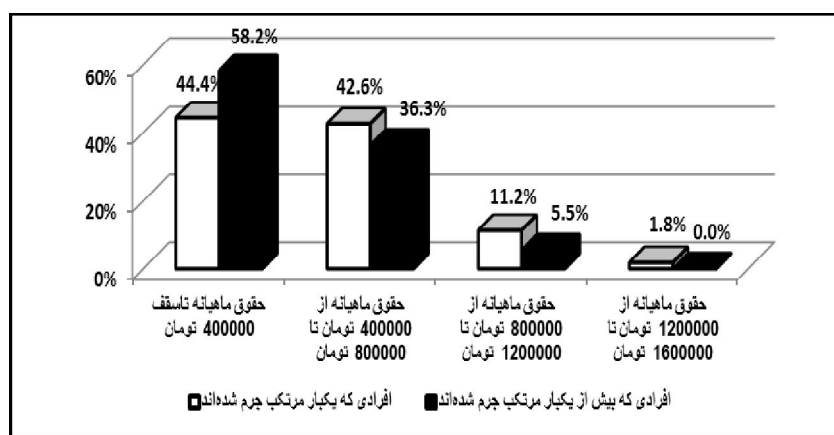
در رابطه با وضعیت مسکن، همان طور که در نمودار ذیل ملاحظه می‌شود، میان وضعیت مسکن افراد تک جرمی و افراد تکرار جرمی اختلاف قابل توجهی وجود دارد. بیش از ۵۰ درصد از افراد جرم اولی در خانه شخصی سکونت داشتند، در حالی که این درصد در افراد تکرار جرمی زیر ۱۰ درصد است. در مقابل، درصد چشم گیری از افراد تکرار جرمی فاقد مسکن بودند که بنا بر اظهارات خودشان، غالباً با دوستان خود زندگی می‌کردند. متأسفانه این مددجویان پس از رهایی از کانون، از سوی خانواده‌هایشان پذیرفته نشدند و یا خانواده منسجمی برای بازگشت نداشتند.



هم چنین با توجه به این که اکثریت جمعیت کشور ما را قشر جوان و نوجوان تشکیل می‌دهد و امکانات و فرصت‌های شغلی برای همه این افراد وجود ندارد، بیکاری و به تبع آن فقر، نقش مهمی در تکرار بزه کاری نوجوانان ایفا می‌کنند. "بیکاری با پی آمدهای مادی و به ویژه روانی که در بر دارد، فرد را از جامعه فعال بیرون

رانده و او را حاشیه نشین و غیر اجتماعی می‌سازد و در دراز مدت، نوعی احساس نفرت نسبت به جامعه فعال در وی به وجود می‌آورد. افزون بر این، احساس بیهودگی و در نهایت احساس بریدن از جامعه، حالت دشمنی و بالاخره انتقام جویی را در ذهن بیکاران ایجاد می‌کند. بنابراین تصور این که افراد بیکار در یک وضعیت دشوار روانی و مادی، وارد گروه‌های تبهکاری برای ارضای احتیاج خود شوند، آسان است^{۱۵}

شرایط اقتصادی خانواده طفل یا نوجوان بزه کار نیز در بهره مندی وی از امکانات و رفاه بسیار موثر است. چرا که این افراد در سنین پایینی هستند و تخصص و مهارت خاصی نیز برای یافتن شغل مناسب خود ندارند. با این وجود یافته‌ها نشان می‌دهند که مادر اکثر مددجویان، خانه دار و بدون منبع درآمد هستند و پدر اغلب آن‌ها کارگر و با درآمد بسیار پایین می‌باشند. همان گونه که نمودار ذیل نشان می‌دهد، مقایسه دو گروه افراد جرم اولی با افراد تکرار جرمی مبین آن است که میزان درآمد ماهیانه پدران افراد تکرار جرمی در سطح پایین‌تری قرار دارد.



نتیجه گیری

اطفال و نوجوانان بزهکار خواه در مراکز بازپروری و خواه پس از رهایی از زندان با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند. نگارنده طی مصاحبه با مددجویان کانون اصلاح و تربیت استان تهران، به این مهم دست یافت که از مهم ترین مشکلات این اطفال و نوجوانان، داشتن وضعیت خانوادگی نامناسب است. به طوری که گاهی وضعیت خانوادگی این اطفال به گونه‌ای است که امکان بازگشت آنان به محیط خانواده میسر نیست؛ چراکه برخی از این اطفال و نوجوانان به خاطر نداشتن سرپرست به دلایلی هم چون فوت و یا جدایی و ازدواج مجدد والدین، محل ثابتی را برای گذران زندگی ندارند. بخش عمده‌ای از نوجوانان نیز، شرایط خانوادگی ناسالمی دارند؛ در نتیجه بازگشت این گونه مددجویان به محیط قبلی، امکان بازپروری را از آن‌ها سلب کرده و نهایتاً به فرار از منزل و به تبع

^{۱۵} علی حسین، نجفی ابرنآبادی، حمید، هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۹۰ ص ۲۲۶.

آن برای گذران زندگی و تامین نیازهای اولیه به سوی ارتکاب جرایمی همچون سرقت سوق می‌دهد. بنابراین در مواردی که محیط خانواده بستر مناسبی برای بازگشت طفل نیست، باید محلی وجود داشته باشد که این اطفال و نوجوانان در معرض خطر برای مدتی در آنجا نگهداری و حمایت شوند.

علاوه بر این‌ها در اغلب موارد، فرد پس از ارتکاب اولین بزه خود، به دلایلی هم چون اخراج از مدرسه و عدم اعتماد و حمایت جامعه، شرایط تحصیلی و شغلی خود را از دست داده است. بدین ترتیب نداشتن شغل و دور بودن از فضای تحصیل و مدرسه، اوقات فراغتی را پیش روی نوجوان می‌گذارد که به دلیل بیکاری، عدم توانایی مالی و عدم حمایت مناسب خانواده برای نوجوان خطرناک می‌شود. چراکه خانواده‌های اکثر این نوجوانان در وضعیت مالی نامناسبی به سر می‌برند و توان حمایت و فراهم آوردن سرمایه را برای آنان ندارند. هم چنین برچسب مجرم بودن که افراد سالم جامعه به نوجوان می‌زنند وی را به سمت دوستان بزهکار خود که اغلب در زندان با آن‌ها آشنا شده است سوق می‌دهد؛ به ویژه اگر محل زندگی نوجوان در محیطی نامناسب نظیر محلات فقیر نشین و حاشیه شهر که محل عبور و مرور افراد بزهکار است واقع شده باشد.

از سوی دیگر رسانه‌ها نیز، با به تصویر کشیدن ارتکاب جرایم گوناگون، پخش صحنه‌های مستهجن و تحریک کننده در برانگیختن میل نوجوانان به ارتکاب مجدد جرایم نقش به سزایی ایفا می‌کنند. در داخل زندان نیز نمایش فیلم‌هایی با مضامین نامناسب هم چون سرقت که بیشترین جرم ارتكابی نوجوانان را تشکیل می‌دهد موجب ایده گرفتن نوجوانان برای چگونگی ارتکاب جرایم بعدی می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت عواملی که موجبات تکرار جرم را فراهم می‌آورند، اغلب همان موجباتی هستند که علل اولیه و عمومی بزه کاری بوده‌اند و بعد از رخ دادن جرم اول و زندانی شدن طفل یا نوجوان و رهایی اش، هنوز از بین نرفته و با شدت بیشتری نوجوان را احاطه کرده و این بار که نوجوان بعد از تحمل زندان، مقداری از ترس خود را بابت محکومیت از دست داده است، به مراتب راحت‌تر از گذشته پای در عرصه تکرار جرایم می‌گذارد. بنابراین نوجوانی که پس از آزادی با مشکلات مضاعفی چون محرومیت‌های عاطفی، اقتصادی، تحقیر و سرزنش‌های خانواده و اطرافیان رو به رو می‌شود، بیشتر و راحت‌تر در معرض انحرافات و بزه کاری قرار می‌گیرد.

در پژوهش حاضر بر آن بودیم که علاوه بر دست یابی به ماهیت جرایم تکرار شده توسط اطفال و نوجوانان، تاثیر عواملی همچون عوامل فردی و اجتماعی را بر روی تکرار جرم اطفال و نوجوانان بسنجیم. در این راستا، از روش آلفای کرونباخ برای پایایی پرسش نامه (Reliability) استفاده کردیم. در نهایت بعد از بررسی و آنالیز نمودن یافته‌های تحقیق با استفاده از آزمون من-ویتنی، نتایج ذیل به دست آمد:

به طوری که نتایج تحقیق نشان داد، فرضیه اول یعنی ماهیت جرایم تکرار شده توسط اطفال و نوجوانان مبتنی بر خشونت است به صورت جزئی به اثبات می‌رسد. مطابق یافته‌ها، اگرچه درصد بالایی از جرایم تکراری نوجوانان به جرایم خشونت آمیز و ضرب و جرح و درگیری اختصاص دارد، اما درصد قابل توجهی از جرایم تکراری این افراد را جرم سرقت، جرایم مربوط به مواد مخدر و روابط نامشروع در بر می‌گیرد.

در خصوص فرضیه دوم که بیان می‌داشت میان عوامل فردی و درونی با تکرار جرم از ناحیه‌ی اطفال و نوجوانان رابطه‌ی گسترده‌ای وجود دارد، پس از آنالیز داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که در این عامل مقدار p -value=۰.۰۰۲ است و از آن جا که این عدد از خطای ۵درصد کوچکتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و

نهایتا با توجه به میانگین رتبه‌ای دو گروه مورد بررسی، میانگین گروهی که یک بار مرتکب جرم شده‌اند بیشتر است. بدین معنا از نظر این گروه، عوامل فردی و درونی در بروز تکرار جرم موثر است. بنابراین فرضیه دوم یعنی " موثر بودن عوامل فردی و درونی بر تکرار جرم " تایید می‌گردد.

یافته‌های حاصل از فرضیه سوم در رابطه با تاثیر عوامل اجتماعی و بیرونی نشان داد، عوامل اجتماعی و بیرونی در بروز تکرار جرم موثر است. در این زمینه نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهند که عامل اقتصادی با مقدار p -value=۰.۰۴۸، عامل فرهنگی با مقدار p -value=۰.۰۴، عامل خانواده با مقدار p -value=۰.۰۰۲؛ و در نهایت عامل حمایتی با مقدار p -value=۰.۰۴۶ موثر در بروز تکرار جرم می‌باشند. چرا که این اعداد از خطای ۵ درصد کوچکتر هستند، بنابراین فرض صفر رد می‌شود، یعنی تمامی این عوامل در بروز تکرار جرم تاثیر گذار هستند.

بنابراین با ثابت شدن تاثیر عوامل خانوادگی، حمایتی، فرهنگی و اقتصادی، فرضیه‌ی سوم یعنی موثر بودن عوامل اجتماعی و بیرونی بر تکرار جرم تایید می‌گردد.

منابع

۱. شامبیاتی، هوشنگ، بزه کاری اطفال و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹
۲. غلامی، حسین، بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷
۳. قربان حسینی، علی اصغر، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، چاپ دوم، مشهد، نشر جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۱
۴. معظمی، شهلا، بزه کاری کودکان و نوجوانان، چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۰
۵. مهدوی، محمود، اطفال و نوجوانان در معرض خطر، رساله دکتری جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۸
۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، ۱۳۹۰، چاپ دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۹۰
۷. نجفی توانا، علی، جرم شناسی، چاپ پانزدهم، تهران، نشر آموزش و سنجش، ۱۳۹۱
۸. نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزه کاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر آموزش و سنجش، ۱۳۸۵
۹. نیازپور، امیرحسن، بزه کاری به عادت؛ از علت شناسی تا پیشگیری، چاپ اول، تهران، نشر فکرسازان، ۱۳۸۷
۱۰. ولد جرج، برنارد توماس، اسنیپس جفری، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۰
۱۱. وینفری، توماس ال، نظریه‌های جرم شناسی، ترجمه رضا افتخاری، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه آزاد

